

سرمقاله

دستاورد رئیس جمهوری از امریکا

محمد رضا هویدا

سران حکومت وحدت ملی به ایالات متحده امریکا به سر می برند. رئیس جمهوری افغانستان در آغازین روزهای کاری خود به کشورهای خارجی از جمله چین و پاکستان و عربستان سعودی سفر کرد تا در مورد موضوعات مهمی که این کشورها می توانند افغانستان را کمک کنند، با مقامات این کشورها گفتگو کرد. رئیس جمهوری به بعضی از کشورهای منطقه برای چندمین بار در طول چند ماه از عمر حکومتش سفر کرد تا مقامات آنها را قانع کند تا به پروسه صلح افغانستان کمک کرده و از نفوذشان برای پیشبرد امور صلح استفاده کنند.

در این میان، افغانستان به رابطه با ایالات متحده امریکا بیش از هر کشوری نیازمند است. از یک سو رابطه افغانستان با ایالات متحده امریکا در دوران حاکمیت حامد کرزی، خصوصا در دوره دوم ریاست جمهوری اش به شدت تاثیر اظهار نظرهای حساسیت بر انگیز قرار گرفته و آسیب دیده بود. روابط امریکا و افغانستان در این دوره در موضوعات مختلفی تا سر حد تشنج کشیده شده بود. حامد کرزی در اواخر دوره حکومتش بارها از عملکرد ایالات متحده امریکا در افغانستان انتقاد کرده بود. موضوعاتی نظیر کشتار افراد غیر نظامی، تبدیل به یکی از موضوعات داغ و اهرم فشاری بر دولت امریکا تبدیل شده بود.

اما حضور اشرف غنی و داکتر عبدالله در امریکا، این بار متفاوت از حضور حامد کرزی گزارش شده است. رئیس جمهوری غنی بیشتر به دنبال کمک های امریکا در عرصه های مختلف است. اشرف غنی می خواهد امریکا در یکی از مهتمترین دوره هایی که افغانستان سخت نیاز به کمک دارد، این کشور را تنها نگذارد.

سیاست خارجی افغانستان در این دوره در حال تحولاتی بزرگی است. اصولا خود دولت وحدت ملی یک تغییر کلان در افغانستان است. و اما سیاست خارجی دولت افغانستان که همیشه در میان دو قدرت منطقه ای و جهانی قرار داشته و متاثر از رقابت های کلان منطقه ای و جهانی است، در این دوره تحولاتی را به خود می بیند که بدون حمایت کشورهای قدرتمندی چون امریکا، امکان به سرانجام رسیدن آن کمتر وجود دارد.

اشرف غنی بازدید از امریکا را نیز از وزارت دفاع آغاز کرده است که به نحوی پادآور قربانی هایی است که ایالات متحده امریکا برای راهی افغانستان از جنگ طالبان و تروریزم داده است. اشرف غنی این مسئله را نیز یادآوری کرده است. پیادآوری قربانی هایی که ایالات متحده امریکا در افغانستان به خصوص در زمانی که افکار عمومی این کشور علیه جنگ در افغانستان بسیج شده، مالیة هزندگان امریکایی را متوجه خواهد ساخت که افغانستان به کمک های آنها به دیده قدر می نگرند. تاثیر افکار عمومی بر سیاست گذاری دولت امریکا بسیار زیاد است.

اما رئیس جمهوری در سفر به ایالات متحده امریکا، با سئوالات متعددی حد اقل در افکار عمومی مردم امریکا مواجه است. اولین سئوال وضعیت امنیتی کشور است که در این روزها به شکلی نگران کننده است و دولت وحدت ملی نتوانسته است کار در خور ستایشی برای بهبودی آن انجام دهد. تهدید حضور و گسترش داعش جدی تر می شود و هنوز هم سعی و یک تن از شهروندان کشور برای هفته ها در اسارت قرار دارند.

مسئله دیگری که سئوال برانگیز است، کارکرد حکومت وحدت ملی می باشد. با گذشت ماه ها از عمر حکومت وحدت ملی هنوز هم این حکومت دارای کابینه مکمل نیست. در حالی که رئیس جمهوری در سفر به ایالات متحده امریکا به سر می برد، لیست باقی مانده کابینه به پارلمان برده می شود تا وکلا برای انتخاب باقی مانده کابینه کار کنند.

دستاوردهای رئیس جمهوری از ایالات متحده امریکا، نشان خواهد داد که او در یافتن شریکی قابل اعتماد و بزرگ که بتواند خواست های افغانستان را برآورده کند، چقدر موفق بوده است. در صورتی که او بتواند نظر امریکا را برای حضور در افغانستان و کمک به گونه ای که او می خواهد جلب کند، قادر خواهد بود تا به ادامه برنامه های خود به خصوص در ارتباط به سیاست خارجی اش و پیش برد مسئله صلح با اطمینان بیشتر کار کند.

اجمل عابدی سخنگوی رئیس جمهور به تازگی ضمن تایید حضور داعش در کشور گفته است که نوعیت جنگ در افغانستان تغییر کرده و تروریسم به یک سیستم تبدیل شده است.

در همین حال نماینده سازمان ملل متحد در افغانستان نیز در گزارشی به شورای امنیت این سازمان، از حضور گروه داعش در افغانستان نگرانی کرده و گفته است که تاهنوز شماری از فرماندهان طالبان به این گروه پیوسته اند و تعدادی فرابنده ی هم در صدد کسب حمایت مالی و همکاری با داعش اند.

این مقام ملل متحد اما گفته است که در افغانستان حمایت سیستماتیک از داعش وجود ندارد. به گفته ی او، اهمیت داعش به توانایی های ذاتی آن در این کشور نیست، بلکه این ظرفیت داعش در گردآوری گروه های افرادی شورش می باشد. جمع بندی که می توان از وضعیت سیاسی و تیروهای جنگی آن ارائه کرد این است که داعش در افغانستان یک گروه وارداتی نیست، بلکه شکل جدیدی از هراس افکنی و تروریسم منطقه ای است که به وسیله ی گروه های شورش طلب افغانی در همنوایی با حرکت داعش اصلی، برای راه اندازی اهداف خشونت آمیز و بنیادگرایانه در کشور به وجود آمده است.

تکنه اصلی در این حرکت بنیادگرایانه هم این است که بازهم بدنه اصلی این گروه را همان جنگجویان شورش تشکیلی می دهند که در طول سال های گذشته تحت نام طالب بر علیه دولت و ملت افغانستان جنگیده اند.

صرف تفاوت در این است که این جنگجویان تحت عنوان یک حرکت جدید و با اهداف و مقاصد جدید در خدمت این گروه قرار گرفته اند.

نگرانی سازمان ملل متحد هم همین است. زیرا که داعش در افغانستان بیش از آن که یک گروه باشد یک پوشش است برای منسجم سازی گروه های شورش می که بر علیه دولت می جنگند. حالا اگر

# تهدید داعش جدی است!

یوسف مهر آیین

این گروه ها تحت یک سیستم تروریستی هم، هماهنگ شده باشند بازهم معنی آن این نیست که طالبان به این گروه ارتباط ندارند. کسانی که تاحالا از این گروه به وسیله ی دولت کشته شده اند، همان طالبانی بوده اند که در گذشته از آن آدرس دست به اعمال خشونت آمیز و هراس افکنانه می زدند.

با این حساب، همان طوری که سخنگوی ریاست جمهوری گفته است نوعیت جنگ در افغانستان تغییر کرده، دولت و مردم افغانستان، در معرض یک توطئه و دسیسه جدیدی منطقه ای قرار داد.

گروه تروریستی جدید اگر چه به لحاظ نیرو و زمینه های اجتماعی از داخل افغانستان بهره گیری کرده، اما از نگاه اپدئولوژی و برنامسه، همان چیزی را دنبال می کند که بانیان این سیستم در خاورمیانه تحت نام اسلام انجام می دهند!

در خاورمیانه، رفتارها و رویه های افراطی که این گروه از خود تبارز داده است، عموما مبتنی بر فراتت خشک و بنیادگرایانه از اسلام بوده که در آن جنگ های فرقه ای و کشتن افراد مربوط به فرقه های دیگر اسلامی و غیر اسلامی یکی اصل اساسی می باشد.

به همین شکل رفتارهای اولیه ای که این گروه از خود در افغانستان نشان داده است نیز نشان می دهد که جنگجویان آن همان راهی را دنبال می کنند که این گروه در کارنامه خود تا حالا در شرق میانه به ثبت رسانده است. در سه مرحله، پساو اول ۲۱ نفر، بار دوم ۱۰ نفر( که ۹ تن آنان آزاد شدند و یک تن دیگر لادرک است) و پساو سوم ۶ نفر از شهروندان را که گرفته اند همه متعلق به یک قوم و مذهب خاص می باشند.

پس آن که تاکنون هیچ گروهی بودن این افراد را به عهده نگرفته اند، اما بنا به گزارش های که از نوع لباس و نوع برخورد این گروه ها وجود دارد، به نظر می رسد که عوامل این اعمال هراس افکنانه همان های اند که در گذشته خود را طالب می گفتند و حالا خود را داعش می گویند و در راستای برنامه های این گروه فعالیت می



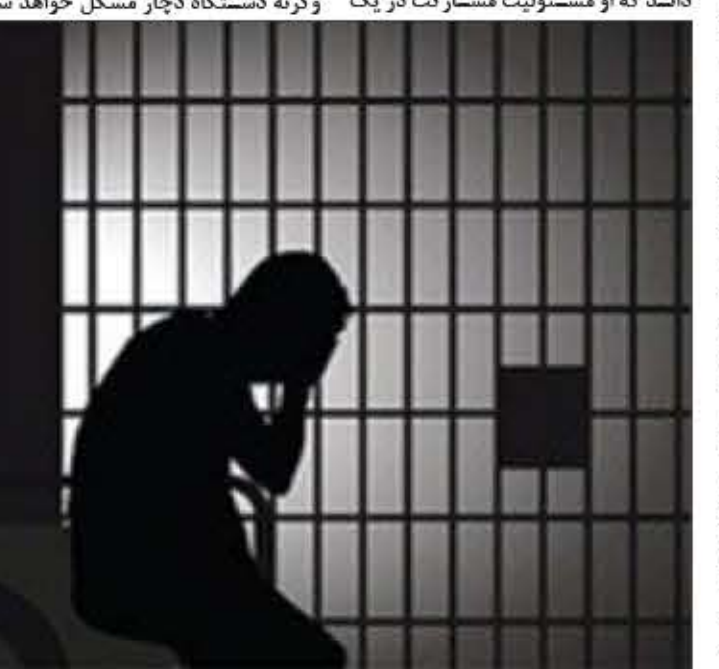
کنند. در این حال، مساله اساسی هم همین است که در این حرکت های هراس افکنانه، از آدرس ها و زمینه های مشخص بر علیه قوم و مذهب مشخص استفاده می گردد. به این ترتیب، دیده می شود که در این فصل جدیدی از حرکت های هراس افکنانه و خشونت آمیز تروریستی، مردم افغانستان با تهدیدی جدیدی مواجه اند(می خواهند از مردم افغانستان در برابر هدیکرشان کار گرفته شود)، که اگر این توطئه با تدبیر وجدیت در نطفه خاموش نگردد، عواقب و پیامدهای ناگورای را برای جامعه افغانستان به دنبال خواهد داشت.

پس با این گونه گروه ها که حاضر نیستند از در صلح با مردم افغانستان وارد گفتگو شوند و زمینه ساز مشکلات و مصایب تازه برای ملت افغانستان هستند، باید با میله ی تفنگ پاسخ داده شود.

## روانشناسی اعترافات دروغین

برگردان محمد باغی

ممکن است قسمی تحت تاثیر شنیدن مکرر روایتی متفاوت از آنچه که خود تجربه کرده است، سه خاطره خاص خود شیک کند، سپس در گذشته خود وقایعی خیالی را وارد نماید و آنگاه تجربه ای تازه امکان تصدیق آن را فراهم کرده باشد. از دانشجویان خواسته می شود تا کاری را بر سر روی یک کامپیوتر انجام دهند، اما به آنها سفارش می شود تا به یکی از دکمه های کیبورد دست نزنند وگرنه دستگاه دچار مشکل خواهد شد.



در جریان این تجربه ، کامپیوتر خراب می شود(دستگاه به با شیطنت برای این کار برنامه ریزی شده بود). در جریان نظر سنجی بعدی مشخص شد که ۴۲ درصد دانشجویان می پذیرند که خودشان عامل این خرابی بوده اند! برخی واقعا فکر می کنند که خطایی مرتکب شده اند، بعضی هم تردید می کنند یا دیگر از کارها زیاد مطمئن نیستند، و بالاخره دیگران هم فقط به خاطر اینکه به نظرشان می رسد حکم دادگاه بشناسیم. این مسئله دقیقا یکی از نقاط مهم روانشناسی قضایی است، بعنوان بخشی پژوهشی که در حال پیشرفت روزافزون است.

سبب خاص وی در توصیف بن بست می که سر نوشت به صورت تراژیک در مقابل قهرمانانش قرار می دهد و به اجبار قهرمانان به انتخابی تلخ منتهی می شود- مترجم)؛ قابل اعتراف تشویق می کنند. در این موقعیت اعتراف کردن در نهایت بهترین راهکار است. در این روش به منظورن لقاء می شود که محکومیتش غیر قابل اجتناب است و او در مقابل خود تنها یک گزینه دارد: «چرا باید از همکاری کردن امتناع کنی و خطر جداگتر مجازات را بپذیری، و یا اعتراف کنی که مجازاتت بسیار تخفیف خواهد گرفت.» ممکن است در نتیجه این وضعیت، متهم فکر کند که در یک بن بست قرار گرفته، پس بنابراین اعتراف برای وی زبان کمتری دارد. به علاوه فردی که ناچار به اعتراف شده است، نمی تواند نتایج این اعترافات را برای خود به درستی محاسبه کند. غالبا، ماموری که بازجویی را انجام می دهد، پاسخ هایی را می طلبد و فرد نیز یک «اعتراف نامه» را امضا می کند. در موارد ویژه، ماموران تمامی بخش های اعترافات را ساخته اند. مثلا مورد «شارلوی- مه زی یر» که در سال ۲۰۰۹ پیش آمد به این ترتیب بود، دو مامور پلیس «اس پی آر جی» (SRPJ) پذیرفتند که خودشان اعترافاتی که سه مرتبی را به بد رفتاری با کودکان متهم می کرد، نوشته اند. در نهایت، مربیان بی گناه شناخته شده و ماموران پلیس افشا شدند.

گاهی مظنون اعتراف می کند، اما بیان جزئیات اعتراف برایش مبهم می شود. او حقیقتا چه چیزی را اعتراف کرده است؟ ممکن است به سنگینی عمل مورد نظر آگاهی نداشته باشد. یکی از راهبردهای بازجویی بر کوچک سازی اعمال قرار دارد. بازجو نسبت به مظنون حالتی دوستانه به نمایش می گذارد و برای اجبار او به اعتراف، جرم و نتایج آن را کوچک نشان می دهد( با استفاده از روش «صن تو را درک می کنیم»). به این ترتیب در سال ۲۰۰۲ در واقع دانش آموزان «ماکون» یکی از متهمین مظنون به زورگیری بنام «سابرینا»، در این مورد فکر می کند که بهتر است اعتراف کند. «من برای آرامش داشتن، برای اینکه سوال کردن از من متوقف شود، تمایل داشتم که بگویم به دیدن این پسرزن رقتم برای

چگونه به جنایاتی که مرتکب نشده ایم اعتراف می کنیم؟ تحت فشار؟ و محاسبه؟ برای آنکه خود را واقعا مجرم می دانیم؟ این که بی گناهی اعترافات دروغینی را امضا می کند و جرمی را که مرتکب نشده است می پذیرد پدیده ای پیچیده و نگران کننده است. این اعترافات دروغین خیلی کمیاب نیستند... برای مثال در سال ۱۹۷۹، «دانیل ویلیامز» پس از آنکه جنازه زنی همسایه اش «میشل مور-یوسکو» کشف شده بود، توسط پلیس بازجویی شد. سپس اعتراف کرده و محکوم گردید. اما چند سال بعد، پرونده مجددا بازگشایی شده و مظنون جدیدی بازداشت می شود. او «وژف دیکن» نام دارد، و به نوبه خود اعتراف کرده و حتی اعلام می کند که در این جنایت دو همدست داشته است.



روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر : حفیظ الله زکی  
کارگاتوریست: خالق علی زاده  
دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان  
The Daily Afghanistan  
The Leading Independent News Source